

دیدگاه اهل البیت در رابطه با روش های امر به معروف و نهی از منکر

فاطمه بحرانی^۱

زینب پرهاویان^۲

خانم مهری^۳

چکیده

امربه معروف ونهیی از منکر یکی از واجب های الهی است، که اگر نباشد جامعه به فساد کشیده می شود و زمینه مناسبی برای انجام واجب های الهی ایجاد نمی شود. از آنجایی که هیچ چیز بی حکمت نیست و جوب امر به معروف ونهیی از منکر هم دلایلی دارد مانند: حفظ نظام در جامعه و لزوم برقراری عدل . البته امر به معروف ونهیی از منکر تحت شرایطی بر مکلف واجب می شود مانند: علم آموختن به معروف و منکر و احتمال تأثیر در مخاطب و اصرار بر استمرار گناه از سوی عاصی و عدم ترتب مفسده چگونگی شیوه امر به معروف نسبت به افراد خیلی تأثیر گذار است، باید هر کس را طبق شرایط خودش امر به معروف ونهیی از منکر کرد. در اینجا به چند نمونه از شیوه های امر به معروف ونهیی از منکر اشاره می کنیم: روش بخشش، روش امید دادن، روش ترغیب و تشویق، روش تنبیه و روش تدریج. پژوهش حاضر با روش توصیفی _ تحلیلی و گردآوری اطلاعات از طریق کتابخانه ای و با پردازش اطلاعات به صورت معرفی ارائه شده و روش های امر به معروف و نهی از منکر مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه ها: معروف، منکر، اسلام .

^۱. دبیر گروه یا ابن الزهراء، سطح دو، مدرسه علمیه کوثر خرمشهر، استان خوزستان.

^۲. عضو گروه یا ابن الزهراء، سطح دو، مدرسه علمیه کوثر خرمشهر، استان خوزستان.

^۳. استاد راهنما گروه یا ابن الزهراء، سطح دو، مدرسه علمیه کوثر خرمشهر، استان خوزستان.

مقدمه

امربه معروف ونهی ازمنکر یکی از واجبات دینی والهی است؛ که اهل بیت علیهم السلام وقرآن کریم بدان توصیه فراوان کرده است. امربه معروف ونهی ازمنکر از فروعات دین هستند و در واقع مثل یک ستون عمل میکنند و دیگر فروعات گرد آن جمع شده اند. امربه معروف یک مفهوم گسترده دارد و همه ی زندگی انسان را سامان میدهد البته اگر انسان بدان عمل کند، اگر انسان به آن عمل کند در اعمال کوچک و بزرگ او تأثیری گذارد. و عمل نکردن به آن نه تنها زندگی خود شخص بلکه زندگی یک گروه و چه بسا یک جامعه را مختل می کند. این امر باعث بقای دین می شود و کنار گذاشتن آن باعث رواج فساد و بی بندباری در جامعه می شود. و یک واجب کفایی است و وظیفه ی هر مسلمان است که بدان عمل کند. مومنان باید این امر کمرنگ شده و یا حتی محو شده در جامعه را احیا کنند، بعضی هستند که بخاطر ترس و یا حرف (به من چه) این واجب دینی را پشت گوش می اندازند در جامعه کنونی افراد کمی هستند که به آن به عنوان یک واجب نگاه میکنند و بدان عمل می کنند. مسلمانان به ویژه مومنان باید این امر کمرنگ شده را دوباره احیا کنند و به سخن قرآن و اهل بیت علیهم السلام عمل کنند پیامبر (ص) و اهل بیت علیهم روایات و احادیثی فراوانی در این باره آورده اند و تاکید زیادی به این امر شده است یکی از آیاتی که در این باب آمده است این چنین است: (وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) (و باید از شما گروهی باشند که همه مردم را [به سوی خیر [اتحاد، اتفاق، الفت، برادری، مواسات و درستی] دعوت نمایند، و به کار شایسته و پسندیده وادارند، و از کار ناپسند و زشت بازدارند؛ و اینانند که یقیناً رستگارند.) آیه ۱۰۴ سوره آل عمران. در این مقاله برآن شدیم که به موضوع شیوه های امربه معروف ونهی ازمنکر از دیدگاه اسلام بپردازیم، تا با بررسی این موضوع این مسئله را بهتر با شناسانیم تا روش های مناسبی برای روش های امربه معروف ونهی ازمنکر اتخاذ کنیم پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این پرسش است که شیوه های امربه معروف ونهی ازمنکر در دیدگاه اسلام چیست و برای پاسخ به پرسش یادشده، به این موارد زیر رسیده است:

روش تدریجی

روش امید دادن

روش عفو و بخشش
روش ترغیب و تشویق
روش تنبیه
روش تکریم شخصیت دیگران
مهربانی و ملامت نکردن مجرمان
شیوه تهدیدی

۱_ مفهوم شناسی

مختصراً معنای لغوی و اصطلاحی برخی از کلید واژه ها را بررسی میکنیم:

۱_۱_ مفهوم معروف

معروف در لغت به معنای «شناخته شده آمده و با واژه های معرفت و عرفان هم خانواده است راغب اصفهانی می گوید: (مسعودی، آموزش ملی امر به معروف و نهی از منکر، ص ۱۹) «المَعْرُفَةُ وَ الْعِرْفَانُ، إدراك الشيء بتفكيرٍ وَ تدبُّرٍ لِأثره» (راغب، مفردات، ص ۵۶۱).

«معرفت و عرفان، شناختن چیزی است از روی تفکر و تدبیر به واسطه اثر آن»
به معنای مشهور نیز آمده از این جهت که برای مردم شناخته شده است. (مسعودی، آموزش ملی امر به معروف و نهی از منکر، ص ۲۰)

۱_۲_ مفهوم منکر

منکر در لغت از ریشه لغت نکر به ضم نون است که کاربردهای مختلفی دارد:
یک. به معنای زیرکی و هوشیاری (لسان العرب، ج ۵، ص ۲۳۲- مجمع البحرین، ج ۳، ص ۵۰۳- النهایه، ج ۵، ص ۱۱۵- العین، ج ۵، ص ۳۵۵)^۱

دو. عدم پذیرش و رد دیگری (لسان العرب، همان النهایه، ج ۵، ص ۱۱۵- مصباح المنیر، ص ۶۲۵)^۲
سه. امر قبیح و ناپسند (أقبح الأصوات لسان العرب، همان، مصباح المنیر، ص ۶۲۵)^۳

^۱ التَّنْكَرُ وَ التَّنْكَرَاءُ: الذَّهَاءُ وَ الْفِطْنَةُ. وَ رَجُلٌ نَكَرٌ وَ نَكَرٌ وَ نُكْرٌ وَ مُنْكَرٌ مِنْ قَوْمٍ مَنَّاكِرٍ: ذَاهٍ قَطِينٌ.
^۲ الْإِنْكَارُ: الْجُحُودُ. وَ الْمُنَاكَرَةُ: الْمُحَارَبَةُ.
^۳ قَوْلُهُ تَعَالَى: إِنْ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتِ الْحَمِيرِ.

چهار کاری سخت و دشوار (لسان العرب، همان)^۱

پنج. جهل و عدم معرفت (مجمع البحرين، ج ۳، ص ۵۰۳. مصباح المنیر، ص ۶۲۵- مفردات، ص ۸۲۳- العین، ج ۵، ص ۱۳۵۵ مسعودی، آموزش ملی امر به معروف و نهی از منکر، ص ۳۰)^۲

۱_۳_ مفهوم اسلام

انسان روح حرف شنیدن داشته باشد، کسی که بنا دارد زیر بار حرف حق برود دارای یک روح سالم و ملایمی است مانند حضرت علی علیه السلام که گوش بفرمان پیامبر بود و به دین اسلام کاملاً عمل می کرد اگر علی علیه السلام در زمان حضرت ابراهیم علیه السلام نیز زندگی می کرد فرامین و دستورات وی را به عنوان دین حضرت ابراهیم علیه السلام عمل می نمود، چون در آن زمان آن دین، حق بود کما این که حضرت لوط هم پیرو حضرت ابراهیم علیه السلام بود. این حالت را می گویند اسلام. (خزائی، تفسیر آیات قیام و زندگی عبرت آموز حضرت موسی(ع)، ص ۲۹۹)

۲_ اهمیت امر به معروف و نهی از منکر از نگاه روایات تفسیری

۲_۱_ راه انبیا و صالحان

«قال الباقر(ع): الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصَّالِحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحِلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ» (وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۵، کتاب امر به معروف، باب ۱، کافی، ج ۵، ص ۵۵ و ۵۶) (امر به معروف و نهی از منکر راه انبیا و شیوه صالحان است، دو فریضه بزرگ الهی است که بقیه فرائض با آنها برپا می شوند و راه ها به وسیله این دو امن می گردد و کسب و کار مردم حلال می شود، حقوق افراد تامین و زمین ها آباد و از دشمنان انتقام گرفته می شود و همه کارها در پرتو آن رو به راه می گردد.)

کاربرد عباراتی چون راه انبیا، شیوه صالحان، فریضه عظیم و ... برشمردن آثاری چون (عابدی، امر به معروف و نهی از منکر در آئینه قرآن کریم، ص ۳۴) ۱. اقامه فرائض؛ ۲. امنیت راه ها؛ ۳. حلال شدن کسب ها؛ ۴. ردّ مظالم؛ ۵. آبادی زمین ها؛ ۶. انتقام گرفتن از دشمنان؛ ۷. و به سامان شدن امور، به خوبی نشان می دهند این دو فریضه، جایگاه تاثیرگذاری در بینش اسلامی دارند و موجب تحقق و نهادینه شدن آموزه های دینی می شوند.

۱. النُّكْرُ الْأَمْرُ الشَّدِيدُ. وَ عَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُّكْرًا طَلَقَ

۲. النُّكْرُ: ضِدُّ الْمَعْرِفَةِ. النُّكْرُ: ضِدُّ الْمَعْرِفَةِ. وَ التَّنَاكُرُ: التَّجَاهُلُ..

۲_۲_ فلسفه بعثت پیامبران و نزول کتب آسمانی

قال رسول الله(ص) : «مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ، وَ خَلِيفَةُ كِتَابِهِ» (مجمع البيان، ذیل آیه ۱۰۴ آل عمران؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۷۹؛ تفسیر قرطبی، ج ۴، ص ۴۷، ذیل آیات ۲۱ و ۲۲ سوره آل عمران) (کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند، جانشین خداوند در زمین و جانشین پیامبر و کتاب اوست.) (تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۵۷/عابدی، امر به معروف و نهی از منکر در آیین قرآن کریم، ص ۳۵)

این روایت نشان می دهد دو برنامه امر به معروف و نهی از منکر، بخشی از برنامه الهی برای اداره جهان است و از این حیث به خوبی استفاده می شود امر به معروف و نهی از منکر کاری پیامبرانه است و بعثت پیامبران و نزول کتب آسمانی در صدر این برنامه الهی است.

۲_۳_ بهترین مردم؛ آمران به معروف و ناهیان از منکر

مردی خدمت پیامبر آمد و در حالی حضرت بر منبر نشسته بود، پرسید: چه کسی از همه مردم بهتر است؟ پیامبر فرمود: «أَمْرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اتقَاهُمْ لَهِ وَ أَرْضَاهُمْ» (مجمع البيان، ذیل آیه ۱۰۴ آل عمران) (آن کسی که از همه بیشتر امر به معروف و نهی از منکر کند و کسی که از همه پرهزکارتر باشد و در راه خشنودی خدا از همه بیشتر گام بردارد.) (عابدی، امر به معروف و نهی از منکر در آیین قرآن کریم، ص ۳۵)

روایت بر ارزش و اهمیت دو فریضه تاکید دارد؛ به گونه ای که عمل به آن موجب شرافت و برتری می شود. (همان، ص ۳۶)

۲_۴_ تأثیر امر به معروف و نهی از منکر بر جامعه

امر به معروف و نهی از منکر یک فلسفه روشن دارد و تنها وظیفه ای تعبدی نیست، زیرا ما می دانیم پیوندهای اجتماعی در جامعه برقرار است و هر کار خوب و بدی به بخش های دیگر سرایت می کند. با پذیرش این «مبنای اجتماعی» مبارزه با فساد یک حق اجتماعی است که حدیث نبوی هم به آن عنایت دارد. رسول خدا(ص) فردی را مثال می زند که با گروهی سوار کشتی شده و در وسط دریا جای خود را با تبر سوراخ می کند و به معترضان می گوید «من تنها در سهم خود تصرف می کنم و کار من به شما مربوط نیست؛ یعنی شما حقی برای مداخله ندارید. در چنین وضعیتی اگر دیگران

حاجه نعینک علیها؟ فاستحیا الرجل ورجع إلی نفسه فالقی علیہ خمیصه کانت علیہ و أمر له بألف درهم قال فکان الرجل یقول بعد ذلك أشهد أنك من أولاد الرسل؛ (کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۰۱)

روزی امام سجاد(علیه السلام) از مسجد بیرون رفت و با مردی که با آن حضرت دشمنی دیرینه ای داشت، روبه رو شد. مرد همین که چشمش به امام افتاد، جسارت کرد و ناسزا گفت. یاران و غلامان امام سجاد(علیه السلام) خواستند آن مرد را تادیب کنند؛ اما علی بن الحسین(علیهما السلام) فرمود: با او کاری نداشته باشید و آن گاه به او نزدیک شد و گفت: آن چه از صفات و کارهای ما بر تو پوشیده است، بیشتر از آن است که تو مطلع هستی؛ سپس با مهربانی و عطوفت تمام فرمود: آیا مشکلی داری که ما در حل آن تو را یاری نماییم؟ مرد با مشاهده این رفتار انسانی، از کرده خود شرمسار گردید؛ اما امام سجاد(علیه السلام) او را نوازش کرد و عباى ارزشمند خود را به همراه هزار درهم به وی بخشید. او بعد از این ماجرا، خطاب به امام سجاد(علیه السلام) می گفت: به راستی که تو از فرزندان رسول خدا هستی. (خسروی، شیوه های امر به معروف و نهی از منکر در مکتب معصومین علیهم السلام، ص ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۸)

۴_۱۲_ مهربانی و ملامت نکردن مجرمان

روش دیگری که در سیره اهل بیت بدان پرداخته شده است، عدم سرزنش گناهکار بود؛ چون سرزنش و ملامت، باعث لجاجت و در نتیجه باعث افزایش جرم می شود؛ بلکه باید با گناهکار با مهربانی و ترحم رفتار کرد.

امام علی(علیه السلام) در این زمینه می فرماید:

« إِنَّمَا يَنْبَغِي لِأَهْلِ الْعِصْمَةِ وَالْمَصْنُوعِ إِلَيْهِمْ فِي السَّلَامَةِ أَنْ يَرْحَمُوا أَهْلَ الذُّنُوبِ وَالْمَعْصِيَةِ وَ يَكُونَ الشُّكْرُ هُوَ الْغَالِبَ عَلَيْهِمْ وَ الْحَاجِزَ لَهُمْ عَنْهُمْ، فَكَيْفَ بِالْعَائِبِ الَّذِي غَابَ أَخَاهُ وَ عَيَّرَهُ بِلَوْلَاهُ أَمَا ذَكَرَ مَوْضِعَ سَتْرِ اللَّهِ عَلَيْهِ مِنْ ذُنُوبِهِ مِمَّا هُوَ أَعْظَمُ مِنَ الذَّنْبِ الَّذِي غَابَهُ بِهِ وَ كَيْفَ يَذُمَّهُ بِذَنْبٍ قَدْ رَكِبَ مِثْلَهُ؟ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ رَكِبَ ذَلِكَ الذَّنْبَ بِعَيْنِهِ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ فِيمَا سِوَاهُ مِمَّا هُوَ أَعْظَمُ مِنْهُ وَ إِيْمُ اللَّهِ لَيْنٌ لَمْ يَكُنْ عَصَاهُ فِي الْكَبِيرِ وَ عَصَاهُ فِي الصَّغِيرِ لَجَرَاءَتِهِ عَلَى عَيْبِ النَّاسِ أَكْبَرُ يَا عَبْدَ اللَّهِ لَا تَعْجَلْ فِي عَيْبِ أَحَدٍ بِذَنْبِهِ، فَلَعَلَّهُ مَغْفُورٌ لَهُ. وَ لَا تَأْمَنُ عَلَى نَفْسِكَ صَغِيرَ مَعْصِيَةٍ فَلَعَلَّكَ مُعَذَّبٌ عَلَيْهِ. فَلْيَكْفُفْ مَنْ عَلِمَ مِنْكُمْ عَيْبَ غَيْرِهِ لِمَا يَعْلَمُ مِنْ عَيْبِ نَفْسِهِ، وَ لِيَكُنِ الشُّكْرُ شَاغِلًا لَهُ عَلَى مُعَافَاتِهِ مِمَّا ابْتُلِيَ بِهِ غَيْرُهُ»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۰)

شایسته است آنان که مرتکب گناه نشده اند و از معصیت در امان مانده اند، به گناهکاران و عاصیان، ترحم آورند و همواره به درگاه خداوندی سپاس گزارند؛ تا سپاس خداوند آنان را از عیب جوئی

گناهکاران باز دارد. پس چگونه است حال غیبت کننده ای که زبان به غیبت برادر خود می گشاید و او را به سبب گرفتار شدنش، در چنگ گناه سرزنش می کند. آیا به یاد ندارد که خداوند، گناهان او را مستور داشته، آن هم گناهایی که از گناهان کسی که زبان به غیبتش گشاده، بسی بزرگ تر بوده است و چگونه او را به گناهی نکوهش می کند که خود نیز همانند آن را مرتکب می شود و اگر آن گناه را عیناً مرتکب نشده، خداوند را در مواردی که از آن گناه عظیم تر بوده، نافرمانی کرده است. به خدا سوگند! اگر گناه بزرگی مرتکب نشده، ولی نافرمانی کوچکی از او سرزده است، جرأت او در عیب جویی و غیبت مردمان، گناهی بزرگ تر است. ای بنده خدا! به عیب جویی گناهکار مشتاب؛ شاید خدا او را آمرزیده باشد و از گناه کوچکی که خود نیز کرده ای، ایمن منشین؛ بسا که تو را بدان عذاب کنند. هر کس از شما که به عیب دیگری آگاه است، باید از عیب جویی باز ایستد؛ زیرا می داند که خود را نیز چنان عیبی هست و سپاسگزاری بر عافیت خویش، او را از آن چه دیگری به آن گرفتار شده، باز دارد. (خسروی، شیوه های امر به معروف و نهی از منکر در مکتب معصومین علیهم السلام، ص ۱۰۹، ۱۰۸ و ۱۱۰)

۴_۱۳_ شیوه تهدیدی

تهدید به از دست دادن منافع و مصالح و افتادن در دشواری ها، همواره در انسان ها تاثیرگذار بوده است؛ زیرا سود و زیان چیزی نیست که انسان بتواند به راحتی از آن بگذرد. این امر به معروف و نهی از منکر، تهدیدی است برای کسانی که امر و نهی اندرزی و امثال آنها در آنان تاثیری ندارد. تهدید، انواع مختلفی دارد که برخی از آنها عبارتند از: تهدید به قطع ارتباط با گناهکار، تهدید به تحریم منافع و امتیازهایی که در اختیار او گذارده ایم، تهدید به آثار گناهی که مرتکب آن می شود، تهدید به ریختن آبرو و مفتضح شدن در میان مردم، تهدید به مردن در حال گناه، تهدید به گسترش سلطه شیطان بر او، تهدید به باز گرفتن آن چه خداوند به گناهکار داده، تهدید به انتقام شدید و زودرس خداوند در دنیا، تهدید به عذاب آخرت، تهدید به مرگ های ناگهانی و زود هنگام، تهدید به نزول عذاب و تهدید به منتهی شدن گناه مستمر به تکذیب آیات خدا. به عنوان مثال ابراهیم جعفری می گوید:

سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ (عليه السلام) يَقُولُ مَا لِي رَأَيْتَكَ عِنْدَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ يَعْقُوبَ فَقَالَ إِنَّهُ يَقُولُ فِي اللَّهِ قَوْلًا عَظِيمًا يَصِفُ اللَّهُ وَ لَا يُوصَفُ فَإِمَّا جَلَسْتَ مَعَهُ وَ تَرَكَتْنَا وَ إِمَّا جَلَسْتَ مَعَنَا وَ تَرَكَتَهُ فَقُلْتُ هُوَ يَقُولُ مَا شَاءَ أَيُّ شَيْءٍ عَلَى مِنْهُ إِذَا لَمْ أَقُلْ مَا يَقُولُ؟ فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ (عليه السلام) أَمَا تَخَافُ أَنْ تَنْزَلَ بِهِ نَقْمَهُ فَتُصِيبَكُمُ جَمِيعًا أَمَا عَلِمْتَ بِالذِّبَى كَانَتْ مِنْ أَصْحَابِ مُوسَى (عليه السلام) وَ كَانَ أَبُوهُ مِنْ أَصْحَابِ فِرْعَوْنَ فَلَمَّا لَحِقَتْ خَيْلُ فِرْعَوْنَ مُوسَى تَخَلَّفَ عَنْهُ لِيُعْطَ أَبَاهُ فَيُلْحِقَهُ بِمُوسَى فَمَضَى أَبُوهُ وَ هُوَ يُرَاغِمُهُ

حَتَّىٰ بَلَغَا طَرْفًا مِّنَ الْبَحْرِ فَعَرِقَا جَمِيعًا فَأَتَىٰ مُوسَىٰ (عليه السلام) الْخَبْرَ فَقَالَ هُوَ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ وَ لَكِنَّ النَّقِمَةَ إِذَا نَزَلَتْ لَمْ يَكُنْ لَهَا عَمَّنْ قَارَبَ الْمُذْنِبَ (الكافي، ج ۲، ص ۳۷۴)

امام هادی یا امام رضا(علیه السلام)^۱ به من فرمود: چرا تو را نزد عبدالرحمن بن یعقوب می بینم، عرض کردم: او دایی من است. حضرت فرمود: او درباره خدا، سخن نادرستی می گوید؛ خداوند را به صورت اجسام و اوصاف آنها توصیف می کند؛ در حالی که خداوند، این گونه توصیف نمی شود. پس با او همنشین باش و ما را رها کن و یا با ما همنشین باش و او را رها کن. عرض کردم: او هر چه می خواهد بگوید؛ اگر من به گفته هایش اعتقادی نداشته باشم، چه ضرری برای من دارد؟ امام فرمود: آیا نمی ترسی که عذابی بر او نازل شود و هر دوی شما را فرا گیرد؟ آیا داستان کسی را که از یاران موسی(علیه السلام) بود و پدرش از یاران فرعون نمی دانی؟ وقتی لشکر فرعون به موسی رسید، آن پسر از موسی جدا شد؛ تا پدرش را نصیحت کند و به اصحاب موسی ملحق سازد و پدرش همراه لشکر فرعون می رفت. این پسر با پدر ستیزه می کرد؛ تا این که هر دو به کنار دریا رسیدند و با غرق شدن فرعون و اصحابش، آنها هم غرق شدند. وقتی خبر به موسی(علیه السلام) رسید، فرمود: او در رحمت خداست؛ اما وقتی عذاب نازل شود، از همراه گنهکار دفاعی نشود. (خسروی، شیوه های امر به معروف و نهی از منکر در مکتب معصومین علیهم السلام، ص ۱۰۱، ۱۰۰ و ۱۰۲)

نتیجه گیری

پژوهش حاضر در رابطه باشیوه های امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه اسلام است. امروزه شاهد اشتباهات و بی بندباری ها در جامعه هستیم. امر به معروف و نهی از منکر درست است که یک فریضه واجب الهی است اما در عین حال مختص به اسلام نیست هر انسان سلیم نسبت به یه کار بد واکنش نشان می دهد و باید تذکر بدهد. درست است که خدا بر ما امر به معروف و نهی از منکر را واجب کرده است اما نه به هرنحوی بلکه با به وجود آمدن شرایط امر به معروف و نهی از منکر، مانند اصرار بر گناه و استمرار آن و یا ترتب مفسده و... همانطور که گذشت آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر نزول بلا، عقوبت الهی، سلطه اشرار و ضرر عمومی اشاره کرد.

پژوهش حاضر شیوه های امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه اسلام را بررسی کرده و به موارد زیر رسیده است:

^۱. جعفری هم از امام رضا(علیه السلام) نقل می کند: هم از امام هادی و مشخص نیست اینجا منظور کدام یک از آن دو بزرگوار است.

روش تدریجی
روش امید دادن
روش عفو و بخشش
روش ترغیب و تشویق
روش تنبیه
روش تکریم شخصیت دیگران
مهربانی و ملامت نکردن مجرمان
شیوه تهدیدی

فهرست منابع

۱. خسروی، مهدیه، شیوه های امر به معروف و نهی از منکر در مکتب معصومین علیهم السلام، قم: انتشارات نور سجاد، ۱۳۹۰.
۲. مسعودی، محمد اسحاق، آموزش ملی امر به معروف و نهی از منکر، تهران: پیام آزادی، ۱۳۸۷.
۳. ایزدی/عباس، خزائلی/محمد علی، تفسیر آیات قیام و زندگی عبرت آموز حضرت موسی ع، نشر زائر آستان مقدس حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۸۷.
۴. عابدی، محمد، امر به معروف و نهی از منکر در آئینه قرآن کریم، قم: معروف، ۱۳۹۲.
۵. عابدی، محمد. چهل حدیث امر به معروف و نهی از منکر در گفتار علوی، قم: معروف، ۱۳۷۹.
۶. ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر خراسان رضوی، امر به معروف و نهی از منکر در سیره رضوی علیه السلام (مجموعه مقالات برگزیده)، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۹۱.